

فرشتگان سالیان سال در ملکوت اعلیٰ به تسبیح و تقدیس خداوند اشتغال داشتند. ناگهان در ملکوت قدس الهی این ندا شنیده شد که پروردگار در روی زمین خلیفه‌ای قرار می‌دهد. فرشتگان عرضه داشتند: خدایا، طین تسبیح و تقدیس در عرصه کائنات همه جا را پر کرده است. خدایا، خلیفه تو خون ریز و ستمگر

مجید رشید پور



**بزرگ‌ترین آفتی
که نسل جوان را تهدید می‌کند**

خود و خدا، عبادت خدا و تصمیم‌گیری‌های شغلی و کاری از نیروی عقل الهام بگیرد.

امام موسی کاظم - علیه‌السلام - فرمود: زیباترین موهبتی که خدا به انسان مرحمت کرده، نیروی تعقل و تفکر است.^۱ مرحوم علامه طباطبایی - قدس سره - در این باره می‌فرماید: انسان به عقل و خرد مجهز است، لذا پیش از انجام دادن یک کار، خیر و نفع و ضرر آن را می‌سنجد. در صورتی که نفعش غالب آید به انجام آن کار اقدام می‌کند و اگر ضرر و زیانش بیش‌تر باشد از انجام آن کار خودداری می‌کند. از مقدمات ذکر شده به خوبی آشکار می‌گردد که ارزشمندی انسان در ارتباط با تدبیر و اندیشیدن اوست. پیامبر اسلام در این باره می‌فرماید: سید الاعمال فی الدارين العقل و لكل شیء دعامة و دعامة المؤمن عقله.^۲ برترین اعمال در دو جهان عقل و خرد است و هر چیزی را ستون و پایه‌ای است و ستون وجودی انسان مؤمن خرد و عقل اوست.

بدیهی است این واقعیت وقتی تحقق می‌یابد که در درجه اول ستون وجودی شناسایی شود و در همه دوره‌های زندگی از آن بهره‌گیری به عمل آید تا به تدریج انسان به حکومت و سلطه عقل دست یابد و عقل در وجودش نهادینه گردد. از علامه طباطبایی - قدس سره - سؤال شد که آیا افراد انسانی از فرشتگان برترند؟ ایشان در پاسخ فرمودند کسانی که قوه‌های عقلی و فکری خود را پرورده کرده باشند از فرشتگان برترند. اما اگر نیروهای روحی و روانی را به صورت دینه نگه داشته باشند در رده حیوانات متوقف گشته‌اند.

* * *

است. اگر مشیت و صلاح پروردگار اجازه دهد کماکان ما به تسبیح تو مشغول باشیم و تو بارالها از آفرینش چنین خلیفه‌ای امتناع بورزی. تسبیح کجا و خون‌ریزی کجا؟ ندا آمد که شما از آن چه من می‌دانم آگاه نیستید.

تعلیم اسماء توسط آدم پرده‌ها را کنار زده، ظرفیت وجودی وی را بر ملاء کرد. فرشتگان همه به خضوع در آمدند و دریافتند که خداوند می‌خواهد در روی زمین موجودی شاهکار بیافریند تا عالی‌ترین تجلیات آفرینش را به وجود آورد. زیرا آدم از عقل و خردی برخوردار بود که با الهام از آن می‌توانست خود را به عالی‌ترین درجات کمال برساند و از فرشتگان برتر و والاتر گردد.

از این مقدمه به خوبی در می‌یابیم که انسان برای تعقل و تفکر آفریده شده است و اساسی‌ترین رسالت انسان تعقل و اندیشیدن است.

همان‌طور که کمال یک حیوان درنده، درندگی است، کمال و ارزش انسان در اندیشیدن است. اگر گرگی مهربان و ملایم باشد و به جای دریدن به گریه کردن بپردازد، بر خلاف قانون آفرینش حرکت کرده است. هم‌چنین اگر انسانی به فکر و اندیشه کردن نپردازد، بر خلاف قانون آفرینش قدم برداشته است. به عبارت دیگر همان‌طور که فصل ممیز حیوان شهوت و غضب است، فصل ممیز انسان نیز تعقل و تفکر است. اگر انسانی بر اساس آفرینش به تعقل نپردازد از نوع خود عدول کرده، در رده حیوانات جای خواهد گرفت.

رسالت اساسی انسان، به فعلیت درآوردن قوه اندیشیدن است و این وقتی محقق خواهد شد که در همه شؤون زندگی، اعم از شناخت

گردد و از همان گذرگاه خارج شود. ولی انسان وقتی با مشکل برخورد می‌کند به جای انجام حرکات و تلاش‌های بدنی به تفکر و اندیشه کردن می‌پردازد تا آسان‌ترین و سهل‌ترین راه را انتخاب کرده، از همان گذرگاه به حل مشکل موفق گردد.

اگر افراد انسانی در همهٔ شؤون زندگی با الهام از روش فکر کردن به حل مشکل بپردازند به تدریج عقل و فکرشان نهادینه خواهد شد. اما اگر به جای فکر و اندیشیدن همانند حیوان از روش‌های آزمایش و خطا بهره بگیرند آرام، آرام تعقل و تفکر برای آنان دشوار و پس از گذشت مدت زمانی سخت و ممتنع خواهد شد. چنان‌که اگر اتوموبیلی مدت‌ها درجایی از حرکت بازمانده باشد، باطری‌اش سولفاته شده، روشن نخواهد شد.

از رسول خدا این حدیث نقل شده است: ما قسم الله للعباد شیئاً افضل من العقل فنوم العاقل افضل من سهرالجاهل^۴. هیچ چیزی برتر و والاتر از عقل در بین مردم تقسیم نشده است. از همین روی خواب و استراحت شخص عاقل از شب زنده داری غیر عاقل ارزشمندتر است. از همین حدیث به خوبی می‌توان استفاده کرد که ارزشمندی اعمال افراد ارتباط مستقیمی با عقل و خرد انجام دهنده دارد، یعنی هر قدر از نظر عقلی قوی‌تر باشد ارزشمندی عمل او بیشتر خواهد بود.

محمدبن سلیمان^۵ از پدرش نقل می‌کند که به امام جعفر صادق عرض کردم فلان شخص در انجام عبادات الهی و طاعات در سطح بسیار عالی قرار دارد. آن حضرت سؤال کردند شخص نامبرده از نظر عقلی در چه سطحی قرار دارد؟

در علم روان‌شناسی^۳ در باب یادگیری این نکته به اثبات رسیده است که یادگیری در حیوان بر اساس روش آزمایش و خطا صورت می‌گیرد. حیوان وقتی به مشکلی برخورد می‌کند به جای تعقل و تفکر به فعالیت‌های بدنی می‌پردازد تا راه فرار و حل مشکل برایش تحقق یابد. به عنوان مثال اگر گربه‌ای در قفس گرفتار شده باشد، با انجام حرکاتی خود را به بالا و پایین می‌زند تا بالاخره در قفس گشوده



در پاسخ گفتم نمی دانم. امام جعفر صادق - علیه السلام - فرمودند: انّ الثواب علی قدر العقل. به میزان عقل و خرد افراد اعمالشان ارزش پیدا می کند. مطالعه در آیات قرآن این حقیقت را آشکار می سازد که کلمه عقل و تعقل در بسیاری از آیات قرآن به کار برده شده است:

انا انزلناه قرآناً عربیاً لعلکم تعقلون.^۶
و کذلک یبین الله لکم الایات لعلکم تعقلون.^۷
صمّ بکم عمی فهم لا یعقلون.^۸

و هم چنین در مواردی کلمه لُبّ مورد استفاده قرار گرفته است:

وما یذکر إلاً اولوالالباب.^۹

اتما یتذکر اولوالالباب.^{۱۰}

هدی و ذکری لاولی الالباب.^{۱۱}

در این جا این سؤال مطرح می شود که چه فرقی بین عقل و لُبّ وجود دارد؟ با مطالعه و بررسی آشکار می گردد که عقل و لب هر دو به معنای فکر کردن و اندیشیدن آمده است. منتهی تا زمانی که فکر و اندیشه پرورده و نهادینه نشده است آنرا عقل گویند ولی پس از ورزیدگی و پرورش یافتن، آن را لُبّ گویند. در کتاب لغت لُبّ را به معنای عقل خالص معنی کرده اند. از آیات قرآن به خوبی می توان استنباط کرد که بهشت برین جایگاه افرادی است که از عقل ورزیده برخوردارند. به همین مناسبت در قرآن آمده است که و ما یتذکر الا اولوالالباب.^{۱۲} همانا رستگاری نصیب کسانی است که جزو اولوالالباب باشند.

رسالت اساسی پدران، مادران، معلمان و مربیان ایجاب می کند که به جای پرداختن به مطالب و موضوعات سطحی به پرورده ساختن عقل و خرد دانش آموزان قیام کنند و بکوشند تعقل و تفکر را در عمق وجود شاگردان خود نهادینه سازند.

امام موسی کاظم - علیه السلام - به هشام فرمود: یا هشام من اراد الغنی بلامال و راحت القلب من الجسد والسلامة فی الدین فلیتضرع الی الله عز و جل بان یکمل عقله.^{۱۳}

ای هشام، هر که خواهد به ثروتی بی کران و به آرامش و سکون قلبی و در دین و آیین به سلامت و اطمینان دست یابد از پروردگار متعال استدعا کند تا خرد او را کامل گرداند و به عبارت دیگر از خداوند متعال درخواست کند که به او توفیق دهد تا عقل و خرد خود را ورزیده و پرورده سازد. بدیهی است که عقل نیز همچون عضلات فرد ورزشکار با تمرین و ممارست های مستمر به تدریج ورزیده می شود.

در پایان به درسی که اینشتین بزرگ به همه انسان ها داده است اشاره می کنم. او گفت: ذهن را برای فکر کردن مورد استفاده قرار دهیم نه برای انبار کردن اطلاعات و آگاهی ها.

پی نوشت ها:

- ۱- مرحوم مجلسی: بحارالانوار، ماده عقل.
- ۲- مرحوم مجلسی: بحارالانوار، ماده عقل.
- ۳- روان شناسی تفکر، باب یادگیری.
- ۴- مرحوم شیخ کلینی: اصول کافی، باب عقل.
- ۵- مرحوم شیخ کلینی: اصول کافی، باب عقل.
- ۶- سوره یوسف، آیه ۲.
- ۷- سوره نور، آیه ۶۱.
- ۸- سوره بقره، آیه ۱۷۱.
- ۹- سوره بقره، آیه ۲۶۹.
- ۱۰- سوره بقره، آیه ۱۹۷.
- ۱۱- سوره زمر، آیه ۹.
- ۱۲- سوره غافر، آیه ۵۴.
- ۱۳- مرحوم مجلسی: بحارالانوار، ماده کمل.